



نقش تخیل آفریننده و تئوپوئتیک برآمده از متن مقدس در تحلیل زیبایی‌شناسی معاصر مسیحی

محمدصادق قیصری هنجنی^۱

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: ۰۷ آبان ۱۴۰۳ □ پذیرش: ۱ بهمن ۱۴۰۳ □ صفحه ۱۴۶-۱۳۹

Doi: 10.22034/rph.2025.2044806.1084

چکیده

تئوپوئتیک به عنوان رویکردی نوین در تفسیر متون دینی، سعی دارد تا از طریق تخیل آفریننده و هنری به بازآفرینی و تفسیر مجدد متون مقدس بپردازد. این روش به ما امکان می‌دهد تا معنای جدیدی از متون دینی استخراج کنیم و آنها را با زندگی معاصر و چالش‌های آن ارتباط دهیم. پرسش اصلی در پژوهش حاضر مربوط به نحوه تحقق این رویکرد در دوره معاصر و زیبایی‌شناسی معاصر مسیحی است. در همین راستا، به کمک تحلیل نظریه پل ریکور سعی شده نقش تخیل آفریننده در این فرآیند و خوانش تئوپوئتیک از متن مقدس بهتر تبیین گردد چراکه ریکور با تأکید بر نقش تخیل به عنوان یک نیروی آفریننده، نشان می‌دهد که چگونه تخیل می‌تواند به افزایش و تغییر واقعیت منجر شود. همچنین، مقاله به تحلیل نمونه‌هایی از مصادیق امر قدسی در زبان و هنرهای دینی پرداخته و نشان می‌دهد که اثر هنری دینی چگونه می‌تواند، به مثابه اثری از خلاقیت زبانی، تصاویری معنادار و تأثیرگذار خلق کند و پیامد این امر به‌طور کلی برای تحلیل زیبایی‌شناسی مسیحی معاصر به شکلی تبیین پذیر است. یکی از نتایج نشانگر این است که تصاویر و استعاره‌هایی که از طریق تخیل آفریننده به مخاطب منتقل شده، می‌توانند تحولی در درک و تجربه دینی افراد ایجاد کنند به خصوص وقتی که می‌بینیم تأکید ابعاد عملی این نگره بر زیست روزانه انسان معاصر مسیحی است. مقاله حاضر به روش کیفی با بررسی انگیزه‌های شکل‌گیری تئوپوئتیک در دوران معاصر نشان می‌دهد که این رویکرد چگونه می‌تواند به عنوان پاسخی به نیازهای معنوی و فرهنگی انسان معاصر مسیحی مطرح شود و در نهایت تلاش دارد نشان دهد که تئوپوئتیک با تأکید بر خلاقیت و تخیل می‌تواند راهی نوین برای بازخوانی و تفسیر متون دینی در دوره معاصر ارائه دهد و به بازشناسی مجدد تجربه دینی کمک کند. بازشناسی‌ای که به دنبال گسترش ابژه‌های زیبایی‌شناختی دینی و معنوی در جهان معاصر است.

واژگان کلیدی: تئوپوئتیک، تخیل آفریننده، متن مقدس، پل ریکور، زیبایی‌شناسی مسیحی

۱. کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.

Email: m.s.gheisari@gmail.com



استاد: قیصری، محمدصادق (۱۴۰۳)، نقش تخیل آفریننده و تئوپوئتیک برآمده از متن مقدس در تحلیل زیبایی‌شناسی معاصر مسیحی، رهپویه حکمت هنر، ۳ (۲): ۱۴۶-۱۳۹.

doi: 10.22034/rph.2025.2044806.1084

https://rph.soore.ac.ir/article_720035.html

مقدمه

همواره رویکردهای بدیعی در خوانش متن مقدس در نحله‌های معاصر فلسفی و الاهیاتی دیده می‌شود که این امر نمایان‌کننده اهمیت بازخوانی و تفسیر مجدد متن مقدس و همچنین پیوندش با زیست روزمره انسان مؤمن و نیمه‌مؤمن (به تعبیر واتیمو) است. در دورانی که مباحث مختلفی پیرامون جهان پس از آتیسیم و امکان بازآفرینی امر الوهی در زیست انسان معاصر پیش رویمان قرار دارد یکی از خوانش‌های بدیعی نسبت به امر قدسی در جهان غرب رویکرد تئوپوتیک^۱ است. در جهانی که بسیاری از موازین و مفاهیم کلان الاهیاتی و فلسفی از متن زندگی انسان معاصر رخت بر بسته است یک بازنگری در نگرش کلی احتمالاً راهگشا باشد و این به‌نوعی مهم‌ترین دغدغه متفکرانی است که در باب تئوپوتیک سخن گفته‌اند. از این منظر شاید بتوان گفت افول امر دینی در جهان معاصر انسان غربی ناشی از فقدان خلاقیت آن است چراکه سنت‌های دینی غیرخلاق به بنیادگرایی، خردگرایی، و جزم‌گرایی منتهی می‌شوند که انگیزه‌های جنگ‌طلبانه و نزاع‌آمیز از آنها ناشی می‌شوند. از سوی دیگر، در سنت‌های دینی بکر شاهد غنای خلاقیت هستیم. سنت‌های خلاقانه دینی به صلح، شفا، اندیشه جدید منتهی می‌شوند - آنها از منابع عشق و زیبایی بهره می‌برند. حال این پرسش مطرح می‌شود: آیا می‌توان ادعان داشت بسیاری از کاستی‌های عالم مسیحی غرب از کثرت بیش‌ازحد علت‌های عقلانی ناشی شده است؟ به‌ویژه مادامی‌که بر این باور هستیم که عقل صادرکننده برخی از دلایل مطلق و تثبیت‌شده الهی است؟ متفکران این حوزه علت‌های فلسفی-الاهیاتی این امر در تاریخ تفکر دینی غرب را مورد بررسی قرار داده‌اند و تئوپوتیک را راه برون‌رفت از این جزم‌گرایی می‌دانند. تئوپوتیک نشان می‌دهد که ما با خداوند به همان اندازه که در ابعاد تنو-لوژیکال^۲ مواجه می‌شویم، در ابعاد تنو-پوتیکال^۳ نیز این مواجهه وجود دارد. «تشویق به بروز حساسیتی شاعرانه در گفتمان الهیاتی امکان تفسیر مداوم خدا، کلام خدا، و فعل خدا را فراهم می‌کند، بدون اینکه ادعا کند این امور را می‌توان به‌طور کامل شناخت و نام‌گذاری کرد» (Keefe-Perry, 2014: 17). این رویکرد شاعرانه نوعی آزادی را به فرد عطا می‌کند که تفسیری تجربی را در عین اینکه به خدا می‌اندیشد ارائه کند. ممکن است در وهله نخست تعریف فرد غیر شاعر از تئوپوتیک این باشد که ترکیبی از شعر و الهیات است. اما این غفلتی است از ریشه‌های نهفته در این واژه. این واژه از دو قسم مهم تشکیل شده؛ بُعد شاعرانه نمایانگر این است که ایده‌ها بیش از یک انتزاع صرف هستند. آنها صورت دارند، صورت‌های کلامی، بصری، حسی و بنا بر این حداقل به همان میزان که تصور می‌شوند تجربه می‌شوند. از سوی دیگر از بعد الاهیاتی، این امر به همان اندازه اهمیت دارد چراکه الاهیات از این منظر چیزی

بیش از یک انتزاع است. تئوپوتیک روشی است برای تفکر، تجسم و درک صورت‌های خدا. اکنون متکلمان باید آگاه شوند که الاهیات سنتی راهی برای اندیشیدن پیرامون امر الهی است، اما تنها یکی از راه‌های متعدد در راستای درک خداست. حال با توجه به این مطالب در ادامه سعی می‌شود با بررسی ریشه‌های تاریخی تئوپوتیک طریقه تحقیق آن در جهان تبیین شود.

روش تحقیق

رویکرد تحقیق از سنخ پژوهش کیفی است و بنا بر هدف سعی شده منابع دست اول در این حوزه بررسی شوند که اغلب مرتبط به مقوله تئوپوتیک در دوره معاصر باشند و در همین راستا ابتدا تاریخچه این مفهوم و ریشه‌های آن شامل تاریخچه و ریشه‌شناسی آن را در میان آثار متفکران این حوزه شناسایی و تبیین کرده، سپس اهمیت آن در دوره معاصر برای خوانش نو از زیبایی‌شناسی دینی که برآمده از نگاهی تازه به متن دینی است را مورد بررسی قرار داده تا از خلال آن رهیافتی که به کمک نظریه تخیل ریکور می‌توان برای تحقق آن به کار برد را به شکلی مستدل ارائه داد. از سوی دیگر، روش گردآوری اطلاعات به شکل منابع کتابخانه‌ای است. در مورد منابع باید متذکر شد در زبان فارسی تا به حال به تئوپوتیک اشاره‌ای نشده و منابع به زبان فارسی نیستند که سعی شده به شکلی جامع تمام ادبیات پژوهشی در این حوزه با محوریت تئوپوتیک مورد بررسی قرار گیرند.

پیشینه موضوع

در کتاب مقدس اصطلاح *poiein* (به معنای ساختن، شکل دادن یا فرم دادن ...) اغلب در رابطه با آفرینش الهی استفاده شده است. نقش مکرر تئوپوتیک از ابتدا در سفر پیدایش (۱: ۱، ۷: ۱، ۲۷: ۱) مشخص می‌شود، جایی که در امثال معروف می‌خوانیم «در آغاز خدا آسمان و زمین را آفرید» (۱: ۱)، یا، مجدد «بیاید انسان (poiesomen) بسازیم» (۱: ۲۶). در امثال ۸، صحنّه آغازین بزرگی مشاهده می‌شود که آفرینش حکمت (poiesis) خداوند رخ می‌دهد (Keamy, 2018: 4). کاترین کلر به‌اختصار بیان می‌کند: «اصطلاح تئوپوتیک نیای خود را در تئوپوتیسس یونان باستان می‌یابد. همان‌طورکه پوتیسس^۴ به معنای ساختن یا آفرینش است، تئوپوتیسس^۵ نیز به خدا-آفرینی^۶ یا الوهی شدن^۷ تبدیل می‌شود.» (Keller, 2018: 22) ریشه واژه تنو با پوتیسس یونانی ابزاری است برای آفرینش خدا، شکل دادن به تجربه الهی، و مطالعه راه‌هایی که مردم از طریق آنها روح را می‌شناسند. چنانچه در معنای یونانی، امر الهی همواره در اثر است: کلام، آواز، موسیقی و مجسمه که به‌نوعی این امکان برایشان میسر است در شکلی محصور شوند (لوکسروا، ۱۳۹۷: ۵۹). به تعبیری این سهم

تخیل را بازیابیم و به جای رویکردی عروسی و الهیاتی که منجر به تثبیت و تحمیل آموزه‌ها می‌شود، به سوی دیدگاهی شاعرانه از الهیات رهنمون شویم. برای هاپر تعارضات زیست مدرن و دیدگاه‌های سنتی نسبت به متن مقدس دغدغه اصلی اعمال چنین نگرشی را ایجاد کرد. می‌توان اذعان داشت پس از بحث‌های مطرح‌شده در این فضا، تئوپوتیک به نحوی عمل کرده است که به کیفیت عبادی خاصی از یک متن، ژانر نوشتاری دینی، و دیدگاه پست‌مدرن در الهیات اشاره دارد. تعریفی کاربردی و مفید از این اصطلاح مطالعه و تمرین شناخت خدا از طریق متن است. متن الهیاتی متنی است که جنبه‌ای از امر الهی را آشکار می‌کند و دیدیم در سطح گسترده‌تر، جوهر این اصطلاح در ریشه‌شناسی آن یافت می‌شود (Keefe-Perry, 2014: 579). اما شناخت امر الهی مسیری بس دشوار است. عمق و رمز و راز قدرت مسیح آن قدر عمیق است که نمی‌توان آن را به‌طور کامل فهم و بیان کرد، بنابراین تلاش برای توصیف ماهیت و ظرفیت خدا باید مبتنی بر تجربه باشد. راه پیش رو ما را به زبانی جدید هدایت می‌کند که در آن الهیات برابر با ادعاهای منطقی و سفت و سختی نیست، بلکه عباراتی مفرح هست که ما را در راز و رمز هستی آغازین فرومی‌برند. الهیاتی که الهیات نیست، بلکه تئوپوتیک^{۱۵} است (Keefe-Perry, 2017: 225).

از سوی دیگر آموس وایلدر^{۱۶} (۱۸۹۵-۱۹۹۳) خواستار رویکردی تئوپوتیک به مسیحیت است که به‌طور جدی خود را با تجربه دینی معاصر به زبانی غنی که به جای تسخیر دعوت‌کننده است درگیر سازد. وایلدر پیشنهاد می‌کند که اگر نظریه‌پردازی از این نوع در دسترس بود، مردم دسترسی بیشتری به قدرت رستگاری مسیحیت داشتند. رویکرد وایلدر صرفاً در دعوت به الهیات بازنگری شده به اوج نمی‌رسد. در کنه ادعای او این ایده نهفته است که بدون زبان دینی‌ای که تماماً دنیای مدرن را آن‌گونه که هست درگیر کند، تبدیل جهان به جایگاه الایی که توانایی تبدیل شدن به آن را دارد، بسی دشوار می‌نماید. هاپر و وایلدر هر دو از عبارت تئوپوتیک به عنوان اسمی مجزا استفاده می‌کنند که به سنخ‌ی از زبان دینی اشاره دارد که هر دو آن را برای هرگونه تجدید حیات مسیحی ضروری می‌دانند. آنها استدلال می‌کنند که بخشی از کوشش برای بازپس‌گیری و از آن خودسازی الهیات برای توده‌ها مستلزم ایجاد تئوپوتیکی جدید است. چنین امری برخی از مسائل همیشگی عالم مسیحیت مانند راه‌های رستگاری را دخیل می‌سازد، اما این کار را به‌گونه‌ای انجام می‌دهد که بیش از آنکه مبتنی بر انتزاع فلسفی باشد، امری بدیع و مبتنی بر جزئیات تجربه است. هر دو به جای ساختن نظریه‌ها و براهین جدید درباره خدا، زبانی دینی را پیش‌بینی می‌کنند که بیشتر جنبه هنری داشته باشد تا آموزه‌ای. گویی غایت تئوپوتیک در صدد اثبات نیست،

الهی انسان است که خواستار کنش و فعلیت است یعنی خواهان آفریدن است نه باور داشتن (همان). در جهان یونانی «جهت و میل یونانیان این است که از انسان خدا بسازند، نه از خدا انسان. در اینجا موضوع بر سر انسان‌خدا‌انگاری است نه خدا‌انسان‌انگاری» (لوکسروا به نقل از اوتو، ۱۳۹۷: ۵۹).

قدمت این اصطلاح (تئوپوتیک) در قرون اولیه مسیحی هم قابل ردیابی است. در این دوره نیز از این واژه، هم به معنای خداسازی انسان و هم الوهیت بخشیدن به بشریت استفاده شده است. همان‌طور که در نظر افرامی سوری^{۱۷} خدا است که به ما الوهیت داده و ما به او وجه انسانی دادیم. یا همان‌طور که آتاناسیوس^{۱۸} در قرن چهارم گفت: «خدا انسان شد تا انسان‌ها الوهی شوند» (On the Incarnation, 1903, 54: 3). این بازی بازآفرینی متقابل بین انسان و امر الهی همان چیزی است که آن را تئوپوتیک می‌نامیم. این تعریف شامل موجوداتی است که همراه با خالق خود خلق می‌کنند. در این دیدگاه، خدا به‌نوعی به ما وابسته است تا کلمه موعود پیدایش در فرم‌های مجسم زمان‌مند و مکان‌مند، تصویر، جسم، هنر و عمل تحقق یابد. یا همان‌طور که توماس مان^{۱۹} به‌درستی در داستان یوسف (جوزف) و بردارانش اشاره می‌کند که خدا برای خود آینه‌ای به صورت خویش آفرید تا به مثابه میانجی‌ای برای شناخت خودش باشد و بر این اساس انسان حاصل کنجکاوای خداوند نسبت به خودش است. اما شاید بتوان بیش از کنجکاوای، میل را دخیل دانست. به بیان دیگر خدا ما را آفرید زیرا خواستار همراهی در کنش خویش بود، کسی که با او هم‌نشین شود، چنانچه در هوسیا^{۲۰} چنین تعبیری را شاهدیم و آفرینش در این مضمون امری عاشقانه است یا به عبارتی تئوپوتیک^{۲۱} است.

انگیزه‌های شکل‌گیری در دوران معاصر

اصطلاح تئوپوتیک در دوران معاصر برای اولین بار در قالب تئوپوتیکس^{۲۲} مطرح شد که توسط استنلی رومن هاپر^{۲۳} (۱۹۰۷-۱۹۹۱) در سخنرانی سال ۱۹۷۱ به کار رفت و برگرفته از گفت‌وگوهایی بود که در انجمن هنر و دین آکادمی فرهنگ معاصر و دین آمریکا انجام می‌شد (Miller, 1975: 3). در این متن، هاپر اظهار می‌دارد که ما نسبت به دیدن و اندیشیدن پیرامون امر قدسی یک بازنگری رادیکال در روش خود را در پیش گرفتیم (Hopper, 1967: 207). پرسش اصلی از دید او این نیست که چگونه می‌توان الهیاتی جدید و مرتبط با امر اجتماعی را توسعه داد، بلکه «این است که آیا الهیات، تا آنجا که وفاداری روش‌شناختی به شیوه‌های سنتی را حفظ می‌کند، اصلاً دوامی دارد یا خیر؟» (Hopper, 1967: 207). هاپر پیشنهاد می‌کند که اگر قرار است حیات معنوی داشته باشیم، باید قدرت اسطوره و

بلکه بازشناسی و طنین غایت اوست.

ایجاد تئوپوئیک جدید، ایجاد زبانی خواهد بود که سنت‌های عمیق مسیحیت را گرامی می‌دارد و درعین حال می‌تواند حسی از تجربه الهی را فراچنگ آورد. این حس الوهی و تجربه معنوی به‌نوعی در زبان شاعرانه نمود دارد. انسان‌ها غالباً ملاقات با خدا را در «تو» شاعرانه به جای «تو» منطقی آسان‌تر می‌بینند. با حفظ این موضوع که الیهات نباید به گفتمان سنتی «منطقی» محدود شود، تعاریف مدرن تئوپوئیک، آزادی متکلمان را در دستور کار قرار می‌دهد. غایت این رویکرد به دنبال راه‌هایی برای براندازی الیهات و متفاوت‌سازی بی‌جان و جایگزینی آن با امر زیبا و حساسیت شاعرانه است. درحالی‌که کلمات نمی‌توانند واقعیت الهی را به تسخیر خود درآوردند، قویاً بر موضع‌هایدگری در رابطه با ظرفیت زبان در آشکارگی هستی تکیه می‌کنند؛ نوعی ورزده^{۱۹} الیهاتی سازنده که ماهیت شاعرانه الیهات را به رسمیت می‌شناسد و ادعا می‌کند که شعر، به عنوان کنشی خلاقانه، خود می‌تواند شیوه‌ای برای تفکر، تجسم و درک تصاویر خدا ارائه دهد.

تئوپوئیک و آفرینش هنری - ادبی

چرا برای بازیابی خدا (پس از دوره آنتیسم^{۱۸}) به هنر نیاز داریم؟ چرا باید توجه را به شعر و نقاشی معطوف کرد تا آموزه دینی؟ چرا آفرینش چیزی فراتر از آموزه است؟ زیرا شعریات^{۱۹} یا پوئیک اولین پل میان کلمه و تن^{۲۰} است. تخیل تئوپوئیک، چهره‌ای ژانوسی^{۲۱} است که از یک سو به آفرینش و از سوی دیگر به ملکوت می‌نگرد. این میانجی و رسانه‌ای است که ما را به حرکت درمی‌آورد، با ما تماس پیدا می‌کند و به ما یادآوری می‌کند که بحث‌های اعتقادی و انتزاعی که ادیان را برای قرن‌ها از هم جدا می‌کند، چیزی جز غفلت از کنش واقعی تئوپوئیک نیستند؛ همه‌چیز در این گزاره تلخیص می‌یابد: ما خدا را می‌سازیم و خدا ما را می‌سازد. وقتی سخن از الوهیت می‌شود، پوئیس، حرف آخر را می‌زند، نه نظریه. به بیانی دیگر در ابتدا (پیدایش) خداوند سوفیا را می‌آفریند؛ درنهایت سوفیا خدا را بازآفرینی می‌کند (kearny, 2018: 21).

باید اذعان داشت تئوپوئیک صرفاً حرکتی زیباشناختی به سمت نوشتن در باب دین با مشاهده در آیات الهی نیست. تئوپوئیک دعوتی است برای آغاز «خوانش» تمامیت تجربه به مثابه کتاب مقدس، تا هنگامی که زندگی روزمره با هیروفونی^{۲۲} و فراخوانی به وفاداری آغشته شود. درگیر شدن در فرایند تئوپوئیک یعنی شروع به کنار آمدن با حضور وجود مهربانی که همه‌چیز را متحد می‌کند، حتی در این دنیای ازهم‌گسیخته، تا پیام‌وزیم که روح را در حال کار در جهان ببینیم، و با فراخوانی برای اتحاد، از بیگانگی مدرن فراتر برویم. تئوپوئیک وسیله‌ای است برای درگیر کردن زبان و ادراک به‌گونه‌ای که فرد با خدا و دیگری که همه در آن

رخ می‌دهند وارد رابطه‌ای عمیق می‌شود. (Keefe-Perry, 2011: 597). با گسترش حوزه تئوپوئیک، از الیهات دعوت می‌شود تا از برج عاج محافل کلامی پایین آید و به آنچه در خیابان‌ها، زندگی‌ها می‌گذرد توجه کند تا بدین نحو بر زبان مؤمنان جاری شود. همه این‌ها بخشی از تجسم مداوم خدا از طریق کلمه-تصویر-جسم است. هنر بیشتر از عقاید جزئی تجسم می‌یابد، و به‌گونه‌ای متقاعدکننده‌تر از استدلال است. به بیانی ساده، تصاویر قدرتمندتر از انتزاعات هستند زیرا درک‌پذیرتر و ملموس‌تر هستند. آنها ما را به «هرمنوتیک تنانه^{۲۳}» بینایی، صدا، چشایی و لامسه دعوت می‌کنند. زیرکی تخیل مقدم بر همه امور گمانه‌زنی است و یادآوری این نکته مهم است که تخیل تئوپوئیک محدود به هنر متعالی نیست، بلکه معمولاً خود را در نمودهای فرهنگی روزمره پیرامون نمادها، اعمال مربوط به عبادت‌ها، نقاشی‌ها و تصاویر متحرک نشان می‌دهد (kearny, 2018: 9).

هنگامی که آندری روبلف^{۲۴} در سال ۱۴۲۵م. تثلیث را نقاشی کرد، سعی نکرد پدر، پسر و روح‌القدس را در مقامی الوهی و انتزاعی نمایش دهد، بلکه آنها را در حالی نمایش داد که گویی سه شخص عادی دور یک میز، غذا را به اشتراک می‌گذارند (تصویر ۱). روبلف متوجه این امر شد که برای اینکه تحت تأثیر تثلیث قرار بگیریم، باید آن را حس کنیم، ببینیم و لمس کنیم (مسیحیان شرقی شمال‌ها را با پیشانی، لب‌ها و دستان خود لمس می‌کنند). بدین منظور، او تصمیم گرفت راز رابطه الهی را در یک اثر هنری تجسم بخشد که در آن رنگ، حجم، فرم و سبک ترکیب می‌شوند تا چیزی نامرئی را در جایگاه امری قابل مشاهده پیکربندی کند.



تصویر ۱. عنوان اثر: تثلیث، ابعاد ۱۴۲ در ۱۱۴، محل اثر: کلیسا لاورا شهر

سرجیف روسیه.

می‌کند. هیچ دستور و تحمیلی نیست و فرض نمی‌کند که ذات کامل خدا را در بر گرفته باشد. از طرفی تئوپوتیک هرگز نمی‌تواند نقطه پایانی برای گفتمان الاهیاتی باشد. در عوض، همان‌طور که اسکات هالند^{۲۵} اشاره کرده است، «سنخی از نوشته است که نوشتن بیشتر را دعوت می‌کند؛ روایت‌های آن به روایت‌های دیگر منتهی می‌شود، استعاره‌های آن مشوق استعاره‌های جدید هستند، اعترافات آن اعترافات بیشتری را فرامی‌خوانند، و مکالمات آن باعث گفت‌وگوهای بیشتری می‌شود.» (Holland, 2006: 327) این باعث ایجاد گفت‌وگو می‌شود و پذیرش کثرت را در رابطه با تجربه الهی ریشه‌دار و اصیل ترویج می‌کند. حال باید پرسید این امور به چه نحوی محقق می‌شوند؟ اگر مسیحیان موفق شوند پیام انجیل را با زبانی پویا که با تخیل معاصر رشد می‌کند احیا کنند، نتیجه آن تئوپوتیکی خواهد بود که به‌طور کامل به اصول و قدرت‌ها می‌پردازد، [و] می‌تواند بر اسارت آنها توسط شرایط زمانه غلبه کند، شر را به کناره زند و آینده انسان را شکل دهد. تئوپوتیک این درک را ارائه می‌دهد که نحوه بیان ما از امر الهی می‌تواند آنچه را که تجربه می‌کنیم تغییر دهد، و به این ترتیب، می‌تواند به عنوان واسطه‌ای مفید بین درون و بیرون، بین آنچه می‌بینیم، آنچه می‌گوییم و آنچه انجام می‌دهیم عمل کند.

تخیل آفریننده^{۲۶}؛ رهیافتی برای تحقق تئوپوتیک

اگر بخواهیم یکی از واژگان مشترک نویسندگان در باب تئوپوتیک را نام ببریم بی‌شک تخیل کلیدی‌ترین واژه است. تخیل در نگاه مهم‌ترین متفکران این حوزه مانند پل ریکور^{۲۷}، ریچارد کرنی، کیپوتو^{۲۸} و شاعرانی مانند هالند و هاپر نقش بسیار اساسی دارد. اما باید دید تخیل که همواره در تاریخ نقشی بازتولیدی داشته به چه نحوی توانایی دارد در تئوپوتیک کنشی زایا و آفریننده ایفا کند. این امر توسط ریکور به شکل منسجمی صورت‌بندی شده چراکه ریکور با دغدغه شخصی در دوره‌های مختلف فکری‌اش پیرامون تخیل و نقش آفریننده آن سخن گفت تا جایی که در رس‌گفتارهای تخیل^{۲۹} ابتدا با رویکردی انتقادی تاریخ تخیل در فلسفه را واکاوی دقیق کرد و اغلب نگاه فیلسوفان تا پیش از کانت نسبت به تخیل را تخیل بازتولیدی^{۳۰} دانست و با استعانت از کانت پی‌ریزی نظریه تخیل آفریننده را صورت داد و در انتها نظریه تخیل آفریننده را در حوزه‌های مختلف مطرح کرد. نزد ریکور بسط این نظریه به زبان مدل‌های علمی هم شایان توجه است که در آن نقش تخیل آفریننده در مدل‌ها و استعاره‌های علمی تبیین شده است. بعد از او افرادی چون ریچارد کرنی این نظریه را به شکل مسوطی در حیطه هرمنوتیک دینی و هنری گسترش دادند.^{۳۱} از آنجاکه انگاره تخیل آفریننده که نگرشی بدیع نسب به تخیل است و آن را دارای جنبه‌های معرفتی خاصی می‌کند برای تحقق گفتمان تئوپوتیک

شمایل روبلف، یک اثر هنری تئوپوتیک ارائه می‌دهد که راز تثلیثی آفرینش را به‌گونه‌ای آشکار می‌کند که عمیق‌تر از هر رساله الاهیاتی است (Kearny, 2018: 9). مایستر اکهارت می‌گوید: «می‌خواهید بدانید در هسته تثلیث چه می‌گذرد؟ به تو خواهم گفت. در هسته تثلیث، پدر می‌خندد و پسر را به دنیا می‌آورد. پسر به پدر می‌خندد و روح را به دنیا می‌آورد. کل تثلیث می‌خندد و ما را به دنیا می‌آورد.» (Eckhart, 1983: 129).

در حالی که فلسفه مدرن، الهیات، و تا حد زیادی، حتی شعر، در فضای دانشگاهی منزوی شده‌اند، تئوپوتیک ابزاری است که مردم عادی ممکن است از طریق آن شروع به بیان کردن حس الهی خود کنند. هالند به تبعید شاعران توسط افلاطون از آرمان‌شهر اشاره می‌کند. او می‌نویسد: «فیلسوفان لوگوس، کلمه یا عقل ابدی را در ساختارهای سیاسی و اشکال اخلاقی ساکن می‌کنند، اما شاعران، شاعران خطرناک، جسم را تبدیل به کلمه می‌کنند» (Holland, 2006: 323). این کنش خطرناک، این سریان از کلمه به تن، دقیقاً همان چیزی است که هالند دوست دارد بیشتر آن را در جامعه ببیند. او نگران فاصله‌ای است که الاهیات از جهان حفظ می‌کند و زبان جدیدی از خدا را متصور می‌شود که در آن تئوپوتیک و هرمنوتیک سرانجام بر تقاطع زبان و ذوق به هم می‌رسند. با به‌کارگیری تقلیل‌های استعلایی - هستی‌شناختی می‌توان از منظر فلسفی جهان را به شیوه‌ای تجسم یافته درگیر کرد، امر الهی را در امور کوچک تجربه کرد و سپس آن تجربه را بیان کرد. کرنی ادعا می‌کند که چنین بیانی در «مکانی بین‌المللی که بازتاب مفهومی، محدودیت‌های خود را پیدا می‌کند و شعر منبع نامحدود خود را می‌یابد» (Kearny, 2006: 13) رخ می‌دهد: تعریفی پر معنا از ایده‌ای که به نظر کاملاً نزدیک به تئوپوتیک است.

از سوی دیگر دیدگاه هاپر به شیوه‌ای روشن در بیان میلر مشخص می‌شود: «این تنها به معنای خواندن شعر نیست. این یعنی هر چیزی در زندگی و کنش کار روزانه به مثابه شاعرانه خواندن است.» (Miller, 1987: 5) هاپر این دیدگاه شاعرانه و تئوپوتیکی را با بازنویسی یکی از نامه‌های ریلکه شناسایی کرد و اظهار داشت که «مردم در مورد چیزها به روشی اشتباه پیش می‌روند، در حقیقت برعکس عمل می‌کنند؛ به جای تلاش برای دیدن خدا، چنانچه که در این راه بیهوده تلاش کرده‌اند، باید تلاش می‌کردند تا آن‌طور که خدا می‌بیند ببینند.» (Rilke, 1947: 8: 146). پس تئوپوتیک فرایندی است که با آن می‌خواهیم جهان را الهی‌تر ببینیم. در نتیجه به نظر می‌رسد درک واقعیت معنوی جهان، توسط بیان شاعرانه آسان‌تر می‌شود.

سخن کوتاه آنکه تئوپوتیک یک چشم‌انداز فعال و تجسم‌یافته است، زبانی مولد که برخی از ماهیت‌های الهی را در این جهان آشکار می‌کند و دیدن امر الهی را در زندگی روزمره آسان‌تر

تخیل می‌تواند جهان خلق کند، اثر خلق کند» (Ricoeur, 1979: 140). سیری که تلقی کلاسیک از تخیل (تخیل به مثابه تصویر) را کنار می‌زند و ما را به سمت مفهوم تخیل به مثابه اثر سوق می‌دهد. ریکور سعی دارد با ارجاع به ریشه لغت *fiction* که شامل افعال *facere* می‌شود و معنای خلق کردن را تداعی می‌کند، درون‌مایه آفرینشی را در این واژه آشکار سازد. امر برساخته‌ای که جهان منحصر خویش را توسط جنبه زایا و آفریننده تخیل خلق می‌کند، فقط منوط به امور غیرحقیقی نیست بلکه منجر به افزونگی مظاهر واقعیت هم می‌شود و این تبیینی از امر خیالی دست می‌دهد که برای آنچه تنوپوتیک به دنبالش بود یعنی بازیابی تخیل در زیست معنوی مسیحی کارساز است. در این نگرش اثر هنری و ادبی که برآمده از تخیل آفریننده انسان است توانایی تغییر در مخاطب را به شکلی پویا و معرفتی دارا می‌شود و از حالت تقلیدی بودن صرف خارج می‌شود. اما این تخیل چگونه بر زبان مؤمنان جاری می‌شود؟

ریکور بحث را به ساحت زبانی منتقل می‌کند تا جنبه هستی‌شناسانه آن در شعر و زیست شاعرانه را تبیین کند. او با بهره‌وری از بحث گاستون باشلار^{۳۵} در باب تخیل شاعرانه، برخی کاربردهای زبانی را به پیش می‌آورد تا این چالش که تصویر سایه‌ای از ادراک نباشد در تخیل شاعرانه حل شود. فرایند خاص تولید صورت‌های خیالی، به نحوی همان به انعکاس درآمدن در زبان است. این صورت‌های خیالی دارای دو مؤلفه اصلی می‌شوند: (۱) خیال‌های آزاد^{۳۶} که وجه بازتولیدی و محاکاتی تخیل را ظاهر می‌سازند یا به عبارتی، قبل از به سخن درآمدن مشاهده می‌شوند و (۲) خیال‌های مقید^{۳۷} که وجه آفریننده و مولد تخیل را شامل می‌شوند یا به عبارتی قبل از دیده شدن به سخن درمی‌آیند (Geniusas, 2014: 14). این تلقی نشان می‌دهد، ساحت زبانی تخیل است که جنبه زبانی تخیل را برای بسط دادن افق غیرواقعی آن حائز اهمیت می‌کند. گویی قرابتی میان خیال‌ها با کلمات برقرار می‌شود و آنها میل به بیان کردن خود دارند. در اصل این تخیل است که سوژه تجربی را قادر می‌سازد چنین جهان غیرواقعی‌ای خلق کند.

ریکور در تلاش است دریابد تخیل چگونه با تجربه، زبان و مفهوم ادغام می‌شود و در همین راستا با استعانت از خوانش مارکوس هستر^{۳۸} از ویتگنشتاین مدعی است که بازنمایی خیالی، آیگونیک^{۳۹} یا شماییلی^{۴۰}، یعنی تخیل آفریننده نوعی نمایش دادن یا به‌تصویرکشیدن است که شماییلی بودنش، منوط به نوعی مشاهده است. و در این قسمت است که صورت خیال شاعرانه و غیرشاعرانه هر دو ذیل یک مجموعه وسیع‌تر یعنی عملکرد شماییلی قرار می‌گیرند. از طرفی اینجا بیش از آنکه تخیل مربوط به حوزه ادراک باشد مربوط به خلاقیت زبانی است. خلاقیتی که

بسیار راهگشاست و نمود آن در شعر و آثار هنری یافت می‌شود، در بخش پایانی نوشتار حاضر بنا داریم علت سودمندی تخیل ریکوری برای تحقق تنوپوتیک را شرح دهیم.

ریکور در تفسیر کانت نقش فعالی که تخیل در تجربه ایفا می‌کند را حائز اهمیت می‌داند. به تعبیر او: «هیچ‌کس قبل از کانت پیرامون کارکرد تخیل در شکل دادن به جهان تجربی ما تأمل نکرده بود» (Ricoeur, 2024: 92.5). این نکته‌ای کلیدی در فهم مفهوم تخیل نزد ریکور است زیرا برای او توانایی و قدرت فزاینده تخیل در وجه تولیدی و آفریننده آن ظاهر می‌شود. تخیل آفریننده بنا بر بازتعریف کانت، عملکردی ترکیبی است که به‌هیچ‌وجه جایگزین ادراک نیست، بلکه عملیاتی منسجم برای درک کردن است. ولی آنچه ریکور نزد کانت مفقود شده می‌داند این است که کانت به‌نوعی از پیش‌بینی خود عقب‌نشینی کرده، پیش‌بینی در این مورد که تخیل آفریننده ممکن است مقدم بر ادراک باشد یعنی خود منشأ (مولد) لحاظ شود. تخیل «ممکن است، منبع یا قالب فاهمه و ادراک باشد» (Ricoeur, 2024, 5.9). نتیجتاً برای ریکور و کانت گویی «خلاقیت آشکار» معنا ندارد؛ تخیل قدرتی فاقد فرم نیست زیرا خلاقیت همیشه دارای فرم است، تخیل همواره با زبان، ساختارها و الگوها در کنکاش و هم‌آمیزی است (Ricoeur, 2024: 5). ریکور سپس با روی آوردن به نقد قوه حکم، «بازی آزاد تخیل» را هدایتگر بحث خود می‌کند. در اینجا معضل تخیل نزد کانت معطوف به رقابت بین قاعده و بازی است. زیرا در نقد اول، قدرت بازی آزاد تخیل، تابع نظام قواعدی است که شامل فاهمه می‌شود، در صورتی که در نقد سوم، این سخن از بازی آزاد است که به مرکز بحث می‌آید. به طرز آشکاری نمود این «قدرت سرکش» بازی آزاد را شاید بتوان در تجربه امر والا مثال زد ولی ریکور و کانت هر دو بر آن اند که تمرکز صرف به قدرت بازی آزاد تخیلی، اشتباه است و هم چنان باید قائل به وجود رقابت بین بازی و قاعده (که همواره در تداوم است) باشیم. تخیل خلاق یک کنش آزاد ناقاعده‌مند است که به واسطه آن می‌توانیم الگوهای جدید را برای خلق معنای تازه و نو مجدداً قالب‌ریزی کنیم (John-son, 1987: 259). این بازی آزاد، فضای تخیل را برای به وجود آوردن یک برساخته خیالی مهیا می‌کند. دوم آنکه مشخصاً با یک خلاقیت آشکار روبه‌رو نیستیم، یک قوه فاقد فرم، بلکه با حرکتی ساختارمند، این جنبه خلاقه به دنبال آفرینش فرم می‌رود^{۴۱}.

در ادامه ریکور تلاش دارد نشان دهد فقط به وسیله تخیل است که چیزی تبدیل به اثر^{۴۲} می‌شود و اثر است که در نهایت توانایی تغییر در امور واقعی یا زیست ما در ابعاد مختلف را دارا است. یک برساخته خیالی یا فیکشن^{۴۳} چگونه می‌تواند در بازسازی تخیل و در نتیجه تغییر امر حقیقی کارساز باشد؟ پاسخ ریکور خلاصه و صریح در این عبارت مشاهده می‌شود که «فقط

امر قدسی و زیست روزمره را کمتر می‌کند. ساختاری که توسط ریکور طرح‌ریزی شد و امروزه این ساختار برای تخیل، یعنی تخیل آفریننده در متون و رسانه‌های مختلف هنری قاب پیگیری است و توانایی نهفته در این قوه فعال بیش از قبل در تجربه دینی برجسته گردیده است. اینجا نقطه‌ای است که دریافت حسی جدید ما از واقعیت، چه کیهانی و چه روان‌شناختی، بیان نمادین خود را در هنر و سبک زندگی می‌یابد. پس برای تحقق آن باید محققان و مفسرانی که محتوای آثارشان صورتی زیباشناختی دارد، مجدد بازنگری شوند و از سوی دیگر مفسران جدید را ترغیب کرد تا برای به‌کارگیری کنترل‌شده تخیل آفریننده در خوانش متن مقدس هراسی نداشته باشند و افق‌های تازه آن را بازتاب دهند. افق‌هایی که درست در دل تجربه زیسته انسان معاصر حاضرند و باید آنها را شناسایی کرد. از این منظر باید اذعان کرد هنرمندان و شاعران در این زمینه پیشروتر بوده‌اند و شاید لازم باشد در مورد اینکه این افراد چگونه از تخیل خود به شیوه‌های یکپارچه و نظام‌مندی استفاده کرده‌اند بیشتر مطالعه کنیم. کوتاه سخن آنکه تئوپوتیک راهی است که به راهبری تخیل خلاق بر روی ما گشوده است تا زیبایی‌شناسی دینی را مجدد در دوره معاصر شناسایی کنیم.

پی‌نوشت‌ها

1. Theopoetics
2. theo-logical
3. theo-poetical
4. poeisis
5. theopoesis
6. God-making
7. becoming divine
۸. کشیش و شاعر سده چهارم میلادی که ملقب به چنگ روح‌القدس است.
9. Athanasius of Alexandria
10. Thomas Mann
۱۱. Hosea (کتاب هوشع به عبری: הוֹשֵׁעַ בֶּן-בְּאֵרָי، یکی از کتب تنخ می‌باشد. این کتاب اولین کتاب در کتاب‌های دوازده پیامبر فرعی است.
12. Theo-erotic
13. Theopoesis
14. Stanley R. Hopper
15. theo-poiesis
16. amos N. Wilder
17. practice
۱۸. این اصطلاحی است که ریچارد کرنی به کار برده و در جاهای مختلف در باب آنا‌تئیس (Anatheism) سخن رانده است. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: Kearney, Richard, *Anatheism: Returning to God After God* (New York: Columbia University Press, 2010).
۱۹. معادلی که برای فن شعر توسط غلامرضا اصفهانی در آخرین ترجمه از فن شعر ارسطو ارائه شده است.
20. Flesh
21. Janus-face
22. Hierophany
23. Carnal hermeneutics
24. Andrei Rublev
25. Scott Holland
26. Productive imagination
۲۷. برای مثال می‌توان به نگاه انتقادی ریکور در درسگفتارهای فلسفه تخیل اشاره داشت که منجر به ارائه نظریه تخیل مولد یا آفریننده می‌شود.
۲۸. تئوپوتیک، حداقل در هرمتوتیک رادیکال کیپوتو، و همچنین در آنتئیس

در شعر و هنرهای دینی به انحای مختلفی نمایان است. ماهیت شمایل، درک ما از صورت خیال خلاقانه را قوام می‌بخشد و به‌نوعی این صورت خلاق را از حوزه ادراک به تصویر زبان منتقل می‌سازد؛ شمایل محصول زبان است، عملکرد زبان تصویری می‌شود و «فقط زمانی که زبان خلاق باشد، تصویر خلق می‌شود» (Ricoeur, 1974: 110) لذا باید گفت شمایل خود را در اثری خلاق ظاهر می‌سازد. درحقیقت اینجا به نحوی با یک الگوی معناشناسانه از تخیل آفریننده مواجه هستیم که پیوند جدیدی میان استعاره و تخیل را در پی دارد. و نتیجه آنکه زبان و تصویر در یک موقعیت دیالکتیکی قرار می‌گیرند. قدرتی که فرد را قادر می‌سازد عملکرد استعاری زبان را درک کند چیزی جز تخیل آفریننده نیست. اما رابطه بین زبان و تصویر تا وقتی که ما خیال را به مثابه تصویری ذهنی، تقلید یا رونوشت از یک ابژه غایب قلمداد کنیم، بی‌نتیجه باقی می‌ماند. این مسئله به محض درک این نکته که صورت شمایلی از طریق زبان ایجاد شده باشد حل می‌گردد (Ricoeur, 1979: 148). در اصل آنچه برای ریکور مسئله است همین به تصویر کشیدن صورت‌های خیال است که سعی دارد هستی‌شناسی بالقوه تخیل را توسعه دهد.

این آفرینش زبانی که توسط تخیل آفریننده رخ داده شاید یکی از بهترین راه‌های تحقق تئوپوتیک باشد. آفرینش از طریق زبان یکی از والاترین خواسته‌های ماست، زیرا کلمات در بهترین حالت راز الوهیت را در میان ما آشکار می‌سازند. هنگامی که انسان‌ها گرد هم می‌آیند تا از طریق تجسم و تخیل شاعرانه به این راز بپردازند و با آن روبرو شوند، آری در عمل عبادت گرد هم می‌آیم چنانچه ویلیام بلیک^{۴۱} ابراز می‌کند:

من از وظیفه بزرگی که بر دوش دارم آرام نمی‌گیرم!

گشودن جهان‌های ابدی،

گشودن چشم‌های جاودانه انسان به درون خویش، به عوالم

اندیشه:

به سوی ابدیت که همیشه در آغوش خدا، تخیل بشری

گسترش می‌یابد^{۴۲}.

نتیجه‌گیری

با توجه به ابعاد مختلفی که از تئوپوتیک ذکر شد باید بیان داشت یک تئوپوتیک خلاق برای تحقق نه‌تنها نیازمند حیات بخشیدن به الاهیات سنتی است، بلکه باید تجربه زیبایی‌شناختی مسیحی را با اهتمام به حساسیت جدید زمانه و تصاویر و آیین‌های آن مرتبط سازد. در هنرهای مدرن، در رسانه‌ها، در خرده‌فرهنگ‌های مختلف برخلاف دوران میانه نوعی از شمایل‌شکنی و شورش علیه تصویر الهی در هنر را شاهد نیستیم، بلکه برعکس شاهد شکل‌گیری ساختارهای جدیدی از تخیل هستیم که مرز میان

God, New York: Columbia University Press.

_____. (2001). *The God Who May Be: A Hermeneutics of Religion*, Bloomington: Indiana University Press.

_____. (2002). *On Stories*, New York: Routledge.

_____. (1988). *The Wake of Imagination: Toward a Postmodern Culture*, Minneapolis: University of Minnesota Press.

Keefe-Perry, Callid. (2014). *A Heraldic Ethic: Critical Resistance, Theopoetic Embodiment, and Dialogical Impulses*, THEOPOETICS 1.1, 34-69.

Keller, Catherine (2003) *Face of the Deep: A Theology of Becoming*, New York: Routledge.

Geniusas, Saulius. (2015). *Between Phenomenology and Hermeneutics: Paul Ricoeur's Philosophy of Imagination*, Hum Stud 38, 223-241p.

Geniusas, Saulius. (2016). *Against the Sartrean Background: Ricoeur's Lectures on Imagination*, Research in Phenomenology, pp. 98-116, Published By: Brill

Johnson, M. (1987). *The body in the mind: The bodily basis of meaning, imagination, and reason*. University of Chicago Press.

Ricoeur, Paul. (1981). *Hermeneutics and the Human Sciences*, ed. & trans. John B. Thompson (Cambridge: Cambridge University Press).

Ricoeur, Paul, Henry I. Venema. (2000). *Identifying Selfhood: Imagination, Narrative, and Hermeneutics in the Thought of Paul Ricoeur* (New York: State University of New York Press).

Ricoeur, P. (1979). *The function of fiction in shaping reality*. Man and World 12, 123-141p.

Ricoeur, Paul. (1974). *The Conflict of Interpretations: Essays in Hermeneutics*. Northwestern University Press.

Ricoeur, Paul. (2024). *Lectures on Imagination*, Edited by George H. Taylor, Robert D. Sweeney, Jean-Luc Amalric, and Patrick F. Crosby, Chicago University Press.

Holland, Scott (2006). *How Do Stories Save Us?* Grand rapids: eerdmans.

Hopper, Stanley. 1967. *Interpretation: The Poetry of Meaning*, ed. David L. Miller (New York: Harcourt Brace).

Miller, David I. (1987). *Introduction: 'Why Persimmons?' and Other Poems: Transformations of Theology in Poetry*. Stanley R. Hopper. Atlanta: Scholars.

Hopper, Stanley R. (1992). *The Literary Imagination and the Doing of Theology: 'The Way of Transfiguration: Religious Imagination as Theopotesis*. Eds. R. Melvin Keiser and Tony Stoneburner. Louisville: Westminster/John Knox. pp 207-29.

(anatheism) کرنی، مفاهیمی از پونین، ساختن یا بازسازی خدا از طریق تخیل ما دارد.

۲۹. این درسگفتارها که در دانشگاه شیکاگو ارائه شده‌اند توسط پروفیسور جورج تلور (استاد بازنشسته دانشگاه پیتزبورگ امریکا که ویراستار این مجموعه از درس‌گفتارهای پل ریکور بوده) در اختیار نگارنده این مقاله قرار گرفته و اخیراً توسط انتشارات دانشگاه شیکاگو به چاپ رسیده است. (این کتاب توسط نگارنده در حال ترجمه است.)

30. Reproductive

۳۱. ریچارد کرنی در کتاب بوطیقای تخیل به اهمیت تخیل در فراخوانی چشم اندازی از آینده ممکن می‌پردازد و می‌نویسد: «استعاره‌ها، نمادها یا روایات تولید شده توسط تخیل، همگی «تغییرهای تخیلی» جهان را در اختیار ما قرار می‌دهند و از این طریق آزادی را به ما ارائه می‌دهند. فرد را قادر می‌سازد جهان را به شیوه‌های دیگر درک کند و به شکل‌های عملی دست بزند که ممکن است به دگرگونی جهان منجر شود.» (149).

۳۲. در نهایت ریکور با یاری جستن از گادامر، به نقد دورنی سازی کانت از زیبایی‌شناسی و تحویل آن به یک نظام سوپزکتیو می‌پردازد. رویکردی که گویی بازسازی وحدت نظریه تخیل، که کانت بین کارکردهای شناختی و زیبایی‌شناختی تقسیم کرده را مدنظر داشته تا به نحوی پیامدهای هستی‌شناسانه تخیل را نشان دهد.

33. work
۳۴. Fiction در ادبیات ریکوری فراتر از داستان خیالی صرف است از همین رو برای این واژه معادل «برساخته خیالی» انتخاب شد.

35. Gaston Bachelard

36. Free images

37. Bound images

38. Marcus B. Hester

39. iconic

۴۰. هرچند که ریکور برای نگاه وینگشتانین هم محدودیت قائل است چراکه مثال‌های او را محدود به تصاویر بازتولیدی است.

41. William Blake (1757-1827)

42. "William Blake" (Quotes, 1800s, Jerusalem The Emanation of The Giant Albion (c. 1803-1820))

فهرست منابع

توشار، فرانسوا، لوکسروا، ژان. (۱۳۹۷)، *امر الهی یونانی در نظر هگل، والتر ف. اوتو و هایلگر*، ترجمه شروین اولیایی، تهران: نشر شونند.

Caputo, John D., and Catherine Keller 2006-7. (*Theopoetic/Theopolitic*, Cross Currents 56.4 p: 105-11.

Eckhart, M.) 1983 (. *Meditations with Meister Eckhart*. trans. and ed. M. Fox. Vermont: Bear and Company.

- Kearney, Richard) 2006 (*Epiphanies of the Everyday: Toward a Micro-Eschatology: After God*. Ed. John P. Manoussakis. New York: Fordham UP. 3-20.

Kearney, Richard.) 2010 (. *Anatheism: Returning to God After*



دوفصلنامه رهپویه حکمت هنر با احترام به قوانین اخلاق در نشریات تابع قوانین کمیته اخلاق در انتشار (COPE) می‌باشد و از آیین‌نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در آثار علمی پیروی می‌نماید.



COPYRIGHTS | Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the *Rahpooye Hekmat-e Honar* Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Licenses. (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)



Productive Imagination and Theopoetics in the Analysis of Contemporary Christian Aesthetics

Mohammad Sadegh Gheisari Hanjani¹

Type of article: original research

Receive: 03 NOVEMBER 2024, Accept Date: 20 January 2025

DOI: 10.22034/rph.2025.2044806.1084

Extended abstract

Contemporary philosophical and theological discourse consistently manifests innovative approaches to sacred text interpretation, underscoring the significance of reexamining and recontextualizing sacred texts about contemporary human existence. In the present epoch, characterized by extensive discourse regarding post-atheistic paradigms and the potential for divine reconceptualization in modern human experience, the theo poetic approach emerges as a distinctive hermeneutical framework within Western theological thought. Scholars in this domain have extensively analyzed the philosophical-theological underpinnings within Western religious intellectual history, proposing theo poetics as a methodological alternative to dogmatic interpretative traditions.

The theo poetic framework elucidates the dual nature of divine encounters through both theological and theo poetic dimensions. While the layperson might initially conceptualize theo poetics as a mere synthesis of poetic and theological elements, such an interpretation fails to comprehend the term's etymological complexity. The construct comprises two fundamental components: the poetic aspect, which transcends mere abstraction by incorporating form, verbal expression, visual elements, and sensory perception, thereby enabling experiential and conceptual engagement. Concurrently, from a theological perspective, this framework extends beyond abstract theoretical constructs. Theo poetics fundamentally constitutes a comprehensive methodology for conceptualizing, imagining, and apprehending divine manifestations. This dynamic interplay between human and divine creative processes defines the essence of theo poetic engagement. Within this theoretical framework, divine manifestation is intrinsically linked to human participation in actualizing creation's promised potential through temporal-spatial embodiment, imagery, corporeal expression, artistic creation, and practical action.

The contemporary introduction of theo poetics, initially termed theo poiesis,

1. Master of Art Research, Faculty of Theoretical Sciences and Higher Art Studies, University of Art, Tehran, Iran. Email: m.s.gheisari@gmail.com

occurred through Stanley Roman Hopper's 1971 lecture, emerging from deliberations within the Art and Religion Society of the American Academy of Contemporary Culture and Religion. Subsequently, theopoetics has evolved to encompass multiple functions: as an indicator of textual devotional qualities, a distinct genre of religious literature, and a postmodern theological perspective. A pragmatic definition is the systematic study and experiential practice of divine knowledge through textual engagement. In this context, theological texts serve as vehicles for divine revelation, with the term's essence deeply rooted in its etymological origins.

Amos Wilder advocates for a theopoetic approach to Christianity that meaningfully engages with contemporary religious experience through inclusive rather than imposing linguistic frameworks. Wilder posits that such theoretical accessibility would enhance public engagement with Christianity's redemptive potential. Hopper and Wilder employ theopoetics as a distinct nominal concept, denoting a religious, linguistic mode they consider fundamental to Christian revitalization. They contend that theological reconnection with public consciousness necessitates the development of novel theopoetic expressions - a linguistic framework that simultaneously honours Christian traditional foundations while capturing contemporary divine experience.

This divine and spiritual experiential dimension finds its natural expression through poetic language, as individuals frequently discover greater accessibility to divine encounters through poetic rather than logical theological frameworks. The privileging of artistic expression over doctrinal formulation in divine reconnection raises fundamental questions regarding the relationship between creation and doctrine. Poetics is the primary bridge between linguistic expression and physical embodiment, serving as both mediator and medium of human-divine interaction. This framework suggests that centuries of doctrinal and abstract theological disputes depart from authentic theopoetic engagement, culminating in the reciprocal proposition. Everything sums up in an academic reformulation of this statement: We create God, and God creates us, i.e. human participation in divine creation mirrors divine participation in human formation.

The Role of Productive Imagination in Theopoetics

The transformative capacity of imagination in theopoetics warrants careful examination, particularly regarding its evolution from a historically reproductive function to a productive and creative force. Paul Ricoeur's systematic analysis provides a coherent theoretical framework for understanding this transformation. Throughout his intellectual development, Ricoeur meticulously analyzed the philosophical history of imagination, distinguishing between pre-Kantian reproductive imagination conceptualizations and productive imagination theory's post-Kantian foundation. Ricoeur's central thesis posits imagination as the fundamental catalyst through which abstract concepts materialize into concrete works, thereby effecting tangible changes in reality and human experience. His

assertion that only “imagination has the power to shape a world and generate a work” encapsulates this transformative potential. Within this theoretical framework, artistic and literary works emerging from creative imagination possess the capacity for dynamic epistemological transformation of their audience, transcending mere mimesis.

The integration of imagination with experience, language, and concept is crucial to Ricoeur’s analysis. Influenced by Wittgensteinian thought, Ricoeur conceptualizes imaginary representation as inherently iconic, whereas productive imagination is a form of observation-dependent portrayal. This theoretical framework encompasses poetic and non-poetic imaginative forms within the broader paradigm of iconic functionality. Significantly, imagination’s primary relationship shifts from perception to linguistic creativity, manifesting particularly in poetry and religious arts.

The linguistic, creative dimension, facilitated by creative imagination, emerges as a paramount mechanism for theopoetic realization. Language’s capacity for creation represents a fundamental human aspiration, as words optimally functioning serve to reveal divine mystery within human experience.

The implementation of creative theopoetics necessitates theological revitalization and the alignment of Christian aesthetic experience with contemporary sensibilities, imagery, and ritualistic practices. Modern artistic expression, media, and subcultural manifestations demonstrate not iconoclastic tendencies characteristic of medieval periods but rather the emergence of novel, imaginative structures that diminish the traditional sacred-secular dichotomy.

Ricoeur’s theoretical framework, serving as a contemporary paradigm for productive imagination in artistic and media contexts, has heightened the significance of imagination’s active force in religious experience. These imaginative horizons, embedded within contemporary lived experience, demand recognition and analysis. Artists and poets have demonstrated particular advancement in this domain, suggesting the need for a more comprehensive study of their systematic implementation of imagination.

In conclusion, theopoetics emerges as a methodological pathway for directing productive imagination toward the reconceptualization of religious aesthetics in the contemporary context. This framework offers valuable insights into the intersection of imagination, religious experience, and artistic expression in modern theological discourse.

Keywords: Theopoetics, Productive imagination, Sacred text, Paul Ricoeur, Christian aesthetics



This journal is following of Committee on Publication Ethics (COPE) and complies with the highest ethical standards in accordance with ethical laws



COPYRIGHTS | Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the *Rahpooye Hekmat-e Honar* Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Licenses. (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)